

شاهخص - دفتر سوم

تذقیس صبیح

مروری بر بایدها و نبایدهای فرهنگ



تهیه شده در بسیج دانشجویی  
دانشگاه صنعتی شریف





# تنفس صبح

مروری بر بایدها و نبایدهای فرهنگ

# فهرست

۳	.....	مقدمه
۳	.....	تعریف فرهنگ
۳	.....	فرهنگ مثل هواست
۴	.....	مردم باید متدین بار بیایند
۴	.....	رویکردهای مدیر فرهنگی
۴	.....	خطرات معتقدان دو دیدگاه
۵	.....	دولت سازندگی
۵	.....	دولت اصلاحات
۶	.....	تساهل و تسامح (تز اصلی مهاجرانی وزیر ارشاد اول خاتمی)
۸	.....	دولت نهم و دهم
۱۰	.....	جریان های دیگر موجود

## مقدمه

شاید مهم ترین عرصه ی فعالیت یک دولت عرصه فرهنگ باشد. در این نوشتار بعد از تعریف فرهنگ و اهمیت آن به برخی از معیارهای مدیریت فرهنگی از دیدگاه رهبران انقلاب می پردازیم و در پایان سه دولت گذشته و برخی از دیدهای موجود در کاندیداهای محتمل انتخاباتی را در زمینه ی فرهنگ بیشتر به صورت گفتمانی (نه برنامه ای) بررسی می کنیم.

## تعریف فرهنگ

فرهنگ یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت. تفکراتش، ایمانش، آرمانهایش، اینها تشکیل دهنده ی مبانی فرهنگ یک کشور است. بیانات در دیدار وزیر علوم و روسای دانشگاه ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷

بعد از تعریف فرهنگ به اهمیت آن می پردازیم. از آن جایی که ماهیت انقلاب اسلامی فرهنگی بوده است، همیشه یکی از مسائل مورد تاکید امام (ره) و مقام معظم رهبری مسئله ی فرهنگ بوده و هست.

## فرهنگ مثل هواست

- بزرگترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید بشود، برای اینکه بزرگترین موسسه ای است که ملت را یا به تباهی می کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می کشد. فرهنگ... غیر از سایر ادارات است. صحیفه امام جلد ۷ ص ۴۷۳

\_ اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم، دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست. صحیفه امام جلد ۱۰ ص ۳۵۷

\_ اهمیت کار فرهنگی نباید مورد غفلت قرار گیرد. در کار فرهنگی هیچ وقفه و تعللی جایز نیست؛ چون بیشترین تلاش دشمنان بر روی جامعه و ملت و کشور ما، تلاش فرهنگی است. این مبالغه نیست! بیشتر و پُر حجم تر و مؤثر تر از تلاشهای سیاسی و امنیتی، تلاش فرهنگی است. علت هم این است که آنها میدانند اگر در تلاشهای فرهنگی علیه انقلاب موفق و پیروز شوند، بقیه ی کارها برای آنها آسان خواهد شد؛ لذا روی این متمرکزند. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۵/۰۶/۰۶

\_ فرهنگ مثل هواست، که انسان وقتی این هوا را استنشاق کرد، با آن هوا و جانی که گرفته میتواند دو قدم بردارد و به جلو برود. اگر چنانچه هوای مسمومی تزریق بشود نتیجه ای که در آن اندام ها دیده میشود تابع این مسمومیت هواست.

بنابراین به عنوان نتیجه گیری باید گفت اولویت مسائل باید فرهنگ باشد و فرهنگ روح حاکم بر جامعه باشد یا به عبارت دیگر فکر و نیروی محرکه جامعه باشد که وظیفه پشتیبانی و تقویت را دارد. تشبیه آن به هوا هم تاکیدی دوباره بر همین موضوع است و به علاوه بهتر میتوان اهمیت آن را درک کرد که سالم یا معیوب بودن بر همه ی نهادها و قسمت های



مختلف جامعه(اندام ها) تاثیر گذار است. پس هر جامعه ای و بالطبع هر نهاد اجرایی آن جامعه باید برنامه ای برای آن داشته باشد.

اما بعد از این که دولتی اهمیت کار فرهنگی را درک کرد و رویکرد کلیش رویکرد فرهنگی شد باید مشخص کند که غایت کارش از لحاظ فرهنگی چیست و نقطه ی مطلوبش کجاست؟ از این رو کمی به توضیح هدف گذاری فرهنگی می پردازیم.

## مردم باید متدین بار بیایند

باید در جهتی حرکت کنیم که مردم متدین بار بیایند، متدین عمل کنند، به مبانی دینی معتقد بشوند، عملا پایبند شوند، جهتگیری ما در همه زمینه ها باید این باشد.

دیدار وزیر،معاونین و روسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۲۱/ ۵/ ۱۳۷۱

باید ایمان و حرکت اسلامی و انقلابی و روح انقلاب،مثل روحی در همه تصمیمات فرهنگی،مورد توجه قرار گیرد این واجب ترین مساله است.دیدار اعضای هیئت دولت۱۸/۶/۱۳۸۸

## رویکردهای مدیر فرهنگی

بعد از بحث هدف گذاری نکته ی مهمی که در عرصه ی مدیریت فرهنگی و جود دارد، رویکرد مدیریتی است.مقام معظم رهبری با توجه به ارزش ها و تحول و پیشرفت دو نوع رویکرد قابل قبول بیان می کنند:

«بطور طبیعی در جامعه کسانی هستند که به بعضی از این ۳ رکن توجه نمیکنند مثلا عده ای به ارزشها توجه میکنند و عده ای به پیشرفت و تحول» ایشان در ادامه میفرمایند بین این دو نباید دعوا باشد.«وقتی که اساس را که ارزشها و حرکت در چارچوب ارزشهاست همه به طور کلی قبول دارند این که حالا یک عده به یک بخش کمتر و عده ای بیشتر توجه میکنند چندان اهمیتی پیدا نمی کند. دعوا نباید باشد.» در ادامه میفرمایند «این دو میتوانند تکمیل کننده همدیگر باشند اما اگر نشد لا اقل بایکدیگر دشمنی نکنند».

## خطرات معتقدان دو دیدگاه

- تحجر یا انحراف: دسته اول را خطر تحجر و دسته دوم را خطر انحراف تهدید میکند و اینها باید مراقب باشند.

خطر نفوذ: «اما خطر بزرگتر از دوخطر قبلی هم وجود دارد. گاهی یک دشمن از هر دو طرف نفوذ می کند: از آن طرف به عنوان ارزش گرایی می آید و با هر تحولی مخالفت می کند، حتی با راههای رفته. از این خطرناکتر این طرف قضیه است؛ به عنوان تغییر و تحول کسانی بیایند که با اساس ارزشها و با اصل اسلام و با اصل تدین مردم مخالفند؛ دچار همان سرمایه سالاری غربی اند، دنبال کیسه دوخت اند. بارف تبعیض طبقاتی مخالفند. با نام دین هم مخالفند و لو به زبان نیاورند.»خطبه های نماز جمعه۲۳/۲/۱۳۷۹

اکنون به نقد گفتمانی دولت های سازندگی و اصلاحات و دولت حاضر در زمینه ی فرهنگ می پردازیم.

## دولت سازندگی

در دولت سازندگی جنبه ی فرهنگی دولت خیلی پر رنگ نبوده و دولت بیشتر عملیاتی بوده است. رهبر انقلاب هم در این زمینه ها از اعضای دولت تقدیرهایی داشته است. اما یک آفت مهمی که در قسمتی از این دولت به چشم می خورد بحث اشرافی گری بود. این نکته را بارها مقام معظم رهبری به دولت گوشزد کردند.

اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته ایم، همین کافی است؟ نه، ما هم مترفین می شویم... بترسیم. تُرف فسق هم دنبال خودش می آورد. اندازه نگه دارید. دولت مخارجش زیاد و سنگین است. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۷۰/۵/۲۳

سوال می کنیم که چرا ماشین لوکس و نو مدل بالا؟ می گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟ آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مساله را در جایی بگردند، من اگر باید در جایی دخالت کنم بگویند در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین طور بی حساب و کتاب جلوی هر وزارت خانه و اداره ای، ده ها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسئولان آنجا به چشم می خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟! (۱۳۷۰/۵/۲۳)

## دولت اصلاحات

ابتدا توضیحی کوتاه نسبت به سیاست اتخاذی این دولت میدهیم..

غرب زدگی: در باب غربزدگی (شیفته تمدن غرب آن هم فرهنگ استعماری غرب حتی منش و سبک زندگی غربی)

در سخنانی که از سید محمد خاتمی در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۵ در روزنامه سلام منتشر شده بود، اینچنین آمده است: «امروز به جرات می توان گفت در زندگی قومی که عزم تعالی و پویایی کرده است، هیچ تحول کارسازی پدید نخواهد آمد مگر آنکه از متن تمدن غرب بگذرد و شرط دگرگونی اساسی، آشنایی با غرب و لمس روح آن تمدن یعنی تجدد است. کسانی که با این روح آشنا نیستند، هرگز به پدید آوردن دگرگونی سودمند در زندگی خود توانا نیستند.

سوسگمندان اقامی نظیر ما، هنوز از آن آشنایی محروم هستیم. توسعه به معنای امروزش، میوه یا شاخ و برگ تمدن جدید است. اگر آن تمدن آمده، توسعه هم خواهد آمد و به این معنا سخن کسانی که می گویند ابتدا باید خرد غربی را پذیرفت تا توسعه بیاید، سخن بیراهی نیست و این سخن را کامل کنم که علاوه بر خرد و بینش غرب، باید منش غربی متناسب با این بینش را نیز پذیرفت.»

اما امام راحل، وقتی آبان ماه ۱۳۶۲ در جمع مسئولان وزارت ارشاد وقت که خاتمی در راس

آنها بود، سخن می گفتند، تکلیف را روشن کردند:

«نباید دستمان را پیش دیگران دراز کنیم، تمدن اسلام بر سایر تمدن ها مقدم است»

## تساهل و تسامح (تز اصلی مهاجرانی وزیر ارشاد اول خاتمی):

در فرهنگ غربی از لوازم مدرنیته و شیوه ای کارساز برای تنظیم رفتارهای دینی، اخلاقی و سیاسی به شمار می آید و معنای آن اجازه دادن آگاهانه به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند افراد نباشد. اساس سیاست های فرهنگی دولت هفتم و هشتم بر تساهل و تسامح قرار گرفته بود و مهاجرانی (اولین وزیر ارشاد دولت خاتمی) به عنوان شخصی که بیشترین هماهنگی را با این سیاست داشت در مقام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فضا را برای هتاکان به دین و مذهب باز کرد. حمله به احکام اسلامی و ایجاد تردید و تشکیک در آن ها توسط مطبوعات دوم خردادی بدون هیچ محدودیتی در موارد گسترده ای در سایه تساهل و تسامح عملیاتی شد. برخی احکام مثل قصاص، مجازات هایی خشن، غیرانسانی و موهن که هیچ نتیجه ای در کاهش جنایت ندارند، معرفی شدند. حکم مرتد، منافی حقوق انسانی قلمداد شد که دفاع از آن دفاع از مقدسات نیست.

در این مورد چند نمونه از گفته های روزنامه های اصلاح طلب آن دوره می آوریم.

فرهنگ شهادت خشونت آفرین است. اگر کشته شدن آسان شد کشتن هم آسان می شود. سروش ۷۸/۳/۱۲ روزنامه نشاط به نقل از کتاب تهاجم شیطانی

نظریه ی غیرت دینی ویران کننده ی اندیشه و فرهنگ و تمدن است. مهاجرانی ۷۹/۱/۱۶ روزنامه آریا به نقل از کتاب تهاجم شیطانی

در حالی که بیشتر سخنان رهبر معظم انقلاب در آن زمان معطوف به تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی است. ایشان بارها از وجود تهاجم فرهنگی و «فرهنگ وارداتی غرب» و درعین حال از عدم پذیرش برخی مسئولان سخن به میان آوردند، مهاجرانی برخلاف هشدارهای رهبری، صریحا وجود هر نوع توطئه فرهنگی علیه نظام جمهوری اسلامی را نفی و آن را محصول نوعی «توهم» می دانست که این نگاه، بارها از سوی رهبری تخطئه و مورد انتقاد شدید قرار گرفت. معظم له آن هنگام که عرصه فرهنگ را جولانگه عده ای یافتند که آشکارا با بی اعتنائی به بنیان های ارزشی ملت، اسب تروای خویش را به سمت نابودی آن می تازند؛ تصریح کردند: «من از بعضی از بخش های دولتی گله دارم و چندبار گفته ام، معتقدم کم کاری می شود. در محیط کار فرهنگ ما به عنوان اسلام، خیلی کم کاری شده است... آقای



مهاجرانی ظاهرأ در این جلسه نیستند، خودشان را راحت کردند. فرق نمی کند باشند یا نباشند... الآن نمایش هایی مرتب در سالن های وابسته به وزارت ارشاد نمایش داده می شود، بعضی ها صددرصد ضد دین است، ضد انقلاب است. اگر در کنار این همه، چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می ساختند که این مبلغ اسلام است من اعتراض نمی کردم. من از وزارت ارشاد راضی نیستم» (بیانات در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی آذر ۱۳۷۸)

آزادی: شاید یکی از واژه هایی که در شعارهای دولت اصلاحات خیلی به چشم می خورد آزادی بود. آزادی بیان، آزادی سیاسی و... در روزنامه های اصلاح طلب اما گاه حد آزادی متفاوت با دیدگاه رهبران انقلاب در نظر گرفته می شد.

اگر مجوز راهپیمایی به هر گروه بر اساس قانون داده شود اشکال ندارد حتی خدا... ابراهیم اصغر زاده، آفتاب امروز ۷۸/۶/۲ به نقل از کتاب تهاجم شیطان

تفکر شیعه گری موجب انحطاط مملکت ما و مانعی برای دموکراسی است. غلامرضا سالار بهزادی، صبح امروز ۷۸/۸/۲۳ به نقل از کتاب تهاجم شیطان

در مقوله ی آزادی نکته ای که در بیانات رهبران انقلاب مد نظر بوده است حدود آن و جلوگیری از اشتباه گرفتن آن با بی بند و باریست.

شما بی بند و باری را آزادی می دانید. شما فساد اخلاق را آزادی می دانید. شما فحشا را آزادی می دانید. ما شما را آزاد گذاشتیم و خودتان را به فحشا کشیدید، به بدتر از فحشا کشیدید، آبروی خودتان را بریدید پیش ملت... ما سلب آزادی کردیم. البته آزادی که منتهی بشود به فساد، آزادی که منتهی بشود به تباهی ملت، به تباهی کشور... مخلوط کشیدند جوان های زن و مرد را و با هم به فساد کشیدند هر دو را با اسم آزادی. مملکت ما را بردند و اینها که آزاد بودند و به آزادی عمل کردند، بی تفاوت بودند. . صحیفه امام جلد ۹ ص ۳۴۴

حد آزادی عبارت است از حدودی که اسلام تعیین کرده است. امام خامنه ای ۱۳۷۷/۶/۲۴

یک اتفاق دیگری که در زمان اصلاحات رخ داد بحث ایجاد شبهه در اذهان عمومی بود که به نمونه های کمی از آن بسنده می کنیم.

دین نظام حکومتی ندارد و حکومتی کردن دین، ایمان دینی مردم را پژمرده می کند. مجتهد شبستری، پیام هامون ۷۷/۱۲/۱۰ به نقل از کتاب تهاجم شیطان

به نظر من گفتار فاطمه که بهترین زنان کسانی اند «لایرین احدا و لایراهن» رفتار او در پنهان شدن از مقابل فرد نابینا نمی تواند الگوی رفتاری زنان ما باشد. عبدالکریم سروش، زنان، دی ۷۸ به نقل از کتاب تهاجم شیطان

در این باره هم رهبر انقلاب در بیاناتشان در دیدار جوانان استان اصفهان ۸۰/۸/۱۲ فرمودند:

«اگر کسی درباره یک مبنای فکری شبهه دارد، قانونش این است که آن را در مراکز تخصصی و محافل علمی مطرح کند. یا باید شبهه را برطرف کرد و از ذهن خود زدود، و یا اگر شبهه اشکال واقعی است، آن را به یک نظریه تبدیل کرد و ذهن های اهل علم و اهل نظر را نسبت به آن منقاد کرد.»

این حضرات از این قانون پیروی نمیکنند؛ شبهه ای به ذهن آن ها می آید، خودشان دچار اعتقادی می شوند و بر اثر هزار جور ابتلا و گرفتاری، پایه های ایمان عمیق قلبی شان را موربانه هویت و هوس و رفاه زدگی و دنیا طلبی می جود و می خورد و شبهه دار می شوند؛ آنگاه می آیند شبهه را در افکار عمومی مطرح می کنند؛ اسمش را هم تجدیدنظر می گذارند! این خیانت به افکار عمومی است.»

## دولت نهم و دهم

فرهنگ سیاسی فرهنگ مدیریتی و فرهنگ اجتماعی جزو فرهنگ به معنای عام است که دستاوردهای بزرگ فرهنگی در این دوره داشتیم در هفت، هشت سال اخیر برگشتن دولت به دامن ملت و به رسمیت شناخته شدن حق توده ها و فاصله گرفتن از فضاهای اشرافی، به نظر خیلی اتفاقات مثبت و خوبی است که افتاده. در این باره رهبر انقلاب فرمودند: سخن صریح و قاطع و صادقانه ی ایشان [آقای احمدی نژاد] در تعهد به خدمتگزاری و رفع محرومیت و مبارزه با فساد، و لحن افتخارآمیز ایشان درس پابندی به اسلام و آرمان های انقلاب، که با منش مردمی و ساده زیستی همراه بود، دلها و آراء مردم را متوجه ایشان کرد و مسوولیت مهم ریاست جمهوری را بر دوش ایشان نهاد. متن تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای

دکتر محمود احمدی نژاد ۱۳۸۴/۰۵/۱۲

شما امتیازتان به تشخیص ظاهری و شکل و قیافه نیست؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنوید. این امتیاز بزرگی است و در شما هست؛ آن را حفظ کنید و نگه دارید. دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲

البته دولت حداقل در مقاطعی فرهنگ را اولیت خود قرار نمی داد که این مسئله اعتراض مقام معظم رهبری را به دنبال داشت:

از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس جمهور، اصلاً اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت بندیها این اولویت فدای اولویتهای دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود! این مظلومیت است دیگر... دیدار با هیئت دولت؛ ۴ شهریور ۸۶

وولولی نکته ای که وجود دارد این است که بر خلاف سایر عرصه ها در دولت نهم در عرصه ی فرهنگ خوب به نیروهای ارزشی بها داده نشد. به عنوان نمونه وحید جلیلی که عنصری

ارزشی در عرصه ی فرهنگ به شمار می آید در مصاحبه ای چنین می گوید:

در این هشت سال به عنوان کوچک ترین عنصر فرهنگی در فضای ارزشی و حزب الهی حتی یک ساعت از وقت هیچ کدام از دو وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به امثال ما نرسیده است. به بنده که نرسیده یعنی اگر رزومه ملاقات های آقای صفار و حسینی را بباورید که چند صد نفر از چهره های هنری و فرهنگی و رسانه ای و ... که ادعای ارزشی بودن هم ندارند اینها چقدر با حضرات جلسه داشته باشند خوب است؟ سال هشتم دولت آقای احمدی نژاد است و ما حتی یک ساعت هم اینها را ندیدیم و بعد همه هم فکر می کنند که خب دولت دست شماست! حتی ما از آقای صفار تقاضای کتبی کردیم. ماتقاضای ملاقات کردیم شاید یک ماه دو ماه از وزارتش گذشته بود و تا پایان چهار سال جوابی نیامد...

این در حالی است که یکی از سفارشات رهبر انقلاب تکیه بر نیروهای خودی است.

ایشان در این زمینه می فرمایند: اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید. امام خامنه ای ۱۳۸۷/۹/۲۰

به نظر عدالت که شعار اصلی دولت و گفتمان اصلی کشور بود در حوزه فرهنگ خوب ترجمه نشد.

یکی از بهترین کارها همان کاری بود که آقای احمدی نژاد در عرصه سیاست کردند و متأسفانه در عرصه فرهنگ نکردند. در عرصه سیاست یک عده، که قدرت سیاسی زیادی داشتند. آقای احمدی نژاد با دولت نهم آمد و این بازی را بر هم زد. بر این باور بود که انقلاب اسلامی نیروهای بسیاری تربیت کرده است. انواع و اقسام روش ها را هم برای نشان دادن آن به کار گرفت. ممکن است که بعضی از روش هایش در آزمون، خوب جواب نداده باشد و غلط از کار در آمده باشد. ولی ایشان این تجربه را کرد. در سپردن مسئولیت ها به نیروهای حزب الهی گمنام از خودش هیچ انفعالی نشان نداد. این ها چیزهایی بود که کمک کرد تا فضای سیاسی کشور پالایش بشود. در عرصه رسانه ای هم باید همین کار را می کرد. یعنی نباید اجازه داد، چند تا بنگاه رسانه ای خاص فکر بکنند که تمام افکار عمومی دست اینها است. می شد برای این برنامه داشت و در عرض هشت سال، رسانه کشور را علاج کرد. وقتی عده ای ببینند که تسلط و هیمنه شان روی کنترل افکار عمومی با میدان آمدن نیروهای تازه نفس انقلابی آرمانگرا کاهش پیدا کرده، دست و پایشان را یک مقدار جمع می کنند. ولی تا موقعی که این فضا به هم نخورد و برای رفع کردن این قناسی، برنامه ایجابی وجود نداشته باشد، اوضاع همین است. در این زمینه هم رهبر انقلاب باز هشدار دادند:

کار فرهنگ، کار بسیار مهمی است؛ با ملاحظه ی جهت گیری های انقلابی و اسلامی. در زمینه ی فرهنگ، دچار رودربایستی نشوید. در همه ی شعبه های فرهنگی - چه در موضوع کتاب، چه در کارهای هنری، چه در مؤسسات فرهنگی - جهت گیری ها را انقلابی و اسلامی قرار بدهید. اولویتها را در اینجا هم ملاحظه کنید، چون منابع بالاخره محدود است. البته

مصوبه‌ی دولت در زمینه‌ی بودجه‌ی فرهنگی، مصوبه‌ی خوبی است؛ اگرچه حالا شنیدیم که خیلی از مبالغ این مصوبه تخصیص داده نشده. بیانات در دیدار با هیئت دولت؛ ۶ شهریور ۹۰

مسئله دیگر این است که یک بخش عظیمی از مردم ما از امکان رسانه برخوردار نیستند. نزدیک به ۳۰ درصد مردم ایران در روستاها زندگی می‌کنند یعنی از هر سه ایرانی، یک نفر دولت آقای احمدی نژاد نشان داده بود که در بعضی از عرصه‌ها شجاعت خوبی دارد که بعضی از کلیشه‌ها را بشکند و مرعوب فضا سازی‌ها نشود. در این حوزه هم می‌توانست این کار را بکند. مثلاً در شهرستان‌ها هم باید روزنامه‌های زیادی داشته باشیم و یا تولیدات سینمایی شهرستان‌ها بیشتر از این باشد.

## جریان‌های دیگر موجود

به دلیل این که همه نامزد های احتمالی انتخابات هنوز برنامه‌های خود را کامل بیان نکرده اند، مجال نقد آن‌ها به طور کامل وجود ندارد. در این بین به برخی از حرف‌های مطروح توسط نامزدهای احتمالی اشاره ای مجمل می‌کنیم. یکی از بحث‌های مطرح تکنوکراسی است که در بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی روز اول فروردین ۹۲ در حرم رضوی ایشان کنایه ای هم به تکنوکرات‌ها داشتند، در ادامه مطالبی مجمل در باب تکنوکراسی و در تقابل بودن آن با فرهنگ اسلامی بیان خواهد شد.

تکنوکراسی سوپر پارادایمی دارد و آن آسایش و رفاه است که محور همه برنامه‌ها و کارها می‌باشد. حال ممکن است در جامعه فساد اقتصادی، اخلاقی یا سیاسی به وجود آید ولی اگر یک تکنوکرات احساس کند که مقابله با آن فساد ممکن است رفاه جامعه را مختل کند، نسبت به آن کم توجهی می‌کند. در واقع عملگرا هستند و نسبت به ضوابط شرعی کم اهمیت. یک رئیس جمهور تکنوکرات با یک نگاه مهندسی و ساختارگرا احتمالاً فرهنگ را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا چند وزارت خانه‌ی دیگر محدود می‌کند. حال عواقب دیگری ممکن است داشته باشد. مثلاً برای حفظ ساختار به تشکیل حلقه‌ی بسته‌ی ای از مدیران روی آورد و به دنبال شایسته‌سالاری نباشد و این مطلب خود زمینه‌ساز فساد اقتصادی می‌باشد. البته باید توجه داشت انسانی که ساختار ذهنی منظمی نداند ممکن است ملقمه‌ای از این ویژگی‌ها را داشته باشد ولی امید داریم که رابطه و ترتب مفاهیم فوق برای خواننده مشخص شده باشد.

حال بیانات رهبر انقلاب را در مواجهه با این تفکر بررسی می‌کنیم.

انسان اگر بر طبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده است پیشرفتش آسانتر است. تعارض و تضاد هم و اصطکاکش با عالم کمتر است. به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیکتر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است..... اگر در موردی پیش آمده که یک سود دنیوی در جهت هدف‌های احروری قرار نگرفت، تا آن جایی که



ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای اخروی قرار دهد....  
لازمه اعتقاد به آن جهان بینی اسلامی این است که انسان جنبه اخروی را ترجیح دهد.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲

یکی دیگر از مباحث طرح شده خصوصی سازی فرهنگ است. در این زمینه رهبر فرزانه  
ی انقلاب مخالف خود را این گونه بیان می کنند:

یکی از آقایان راجع به مسئله‌ی خصوصی سازی فرهنگ و بهداشت نکته‌ای گفتند که به  
نظر من آن نکته هم درست است. خصوصی سازی مربوط به شرکتهای ذیل اصل ۴۴ است،  
که خوب، یک تعریف مشخصی دارد. به نظر ما مسائل فرهنگی و بهداشتی و اینها، به آن  
شکل، مشمول این اصل خصوصی سازی نمیشود. از طرف مسئولین ذی ربط هم مواردی را  
به من گفته‌اند. به نظر ما این اشکال، اشکال واردی است؛ بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

دیدار با دانشجویان ۱۳۸۹/۶/۳۱

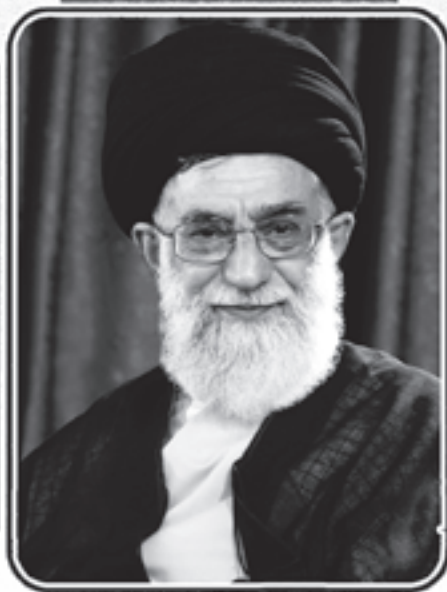
در پایان با توجه به مطالبات رهبر انقلاب در عرصه ی فرهنگ به نظر می رسد رئیس  
جمهور آینده باید به سوالات زیر در این زمینه پاسخگو باشد و برای آن ها برنامه داشته  
باشد:

- نقشه راه مهندسی فرهنگی: رئیس جمهور رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی  
می باشد و نقشه راه مهندسی فرهنگی از سال ۸۳ مطالبه ی رهبر انقلاب از این شورا بوده  
است. برنامه شما برای این نقشه ی راه چیست؟
- آیا قائل به حضور فرهنگ در سایر حوزه ها مثل اقتصاد، سیاست، پیشرفت جامعه  
و... هستید و یا فرهنگ را مقوله ای در کنار بقیه ی عرصه ها می دانید؟
- آیا مقوله ی تهاجم فرهنگی را قبول دارید، برنامه ی شما برای مقابله با عرصه  
جنگ نرم در حوزه ی رسانه چیست؟
- با توجه به این که اسلامی کردن دانشگاه یکی از خواسته های رهبران انقلاب  
بوده، راهکارتان برای اسلامی کردن دانشگاه چیست؟ آیا به اسلامی کردن علوم اعتقاد  
دارید؟ اگر آری برای رسیدی به این مهم چه سیاستی را اتخاذ می کنید؟
- رئیس جمهور رئیس شورای عالی فضای مجازی است. اینترنت، بازی های رایانه  
ای و... که از مسائل مهم محسوب می شوند، همه زیر نظر این شورا می باشد. با توجه به این  
که مصوبه ی این شورا برای دستگاه های حکومتی لازم الاجراست، شما برای این عرصه چه  
سیاست هایی اتخاذ می کنید؟
- با توجه به این که نیروهای ارزشی در زمینه های هنری و رسانه ای خوش  
درخشند که جشنواره عمار و برنامه تریا نمونه ای از آن است، چقدر به این نیروها بها می



دهید و آیا حاضرید کلیت فضای هنری و رسانه ای کشور را به آن ها بدهید؟





کار فرهنگ، کار بسیار مهمی است؛ با ملاحظه‌ی جهتگیری‌های انقلابی و اسلامی. در زمینه‌ی فرهنگ، دچار رودربایستی نشوید. در همه‌ی شعبه‌های فرهنگی - چه در موضوع کتاب، چه در کارهای هنری، چه در مؤسسات فرهنگی - جهتگیری‌ها را انقلابی و اسلامی قرار بدهید. اولویتها را در اینجا هم ملاحظه کنید، چون منابع بالاخره محدود است.



مجمع‌التسلطی و الشوریة الاسلامیة

Eamil:bsut@chmail.ir

تلفن تماس: ۰۲۱۶۶۰۲۲۷۱۰